

# از کریمخان زند تا اقتصاد لیبرالیستی!

باید توجه داشت که جوامع آن زمان را اجتماعات کوچک و ساده‌ای تشکیل می‌داد و نیازمندیهای مختلف انسانها نیز صرفاً محدود و مادی بود. بتدریج، با پیشرفت جوامع این نیازها بیشتر، متنوع‌تر و پیچیده‌تر، و بدین ترتیب وظایف دولتها هم گسترده‌تر و سنگین‌تر شد.

این موضوع که دولت چه وظایفی دارد و حدود این وظایف و تکالیف چیست، همیشه یکسان نبوده و در ادوار تاریخی بستگی به ایدئولوژیهای حاکم بر کشورهای مختلف داشته که خود این ایدئولوژیها هم تا حدود زیادی با توسعه و تکامل اقتصادی و اجتماعی جوامع گوناگون ارتباط داشته است و دارد.

## «فیزیکرات»ها و «کلاسیک»ها

پس از پایان یافتن قرون وسطی، نظریات اقتصادی «مرکانتالیسم» در اروپا اشاعه یافت و با استقرار حکومتهای سلطنتی با قدرتهای مطلقه، بستر مساعدی برای رشد و نمو بیشتر یافت. مرکانتالیسم، با اسامی مختلف، و گاه با تفاوتی قابل توجه، در کشورهای مختلف اروپائی حدود سه قرن وظایف دولتها را مشخص کرد.

دولتها وظیفه داشتند:

- از صنایع دستی و ماشینی کشور تا حد امکان حمایت و پشتیبانی کنند،
- جلوی واردات کالاهائی را که در داخل تولید می‌شود بگیرند،
- صادرات کالاهای تولیدی داخل را تشویق کرده و برای افزایش آن بکوشند،
- راههای ارتباطی بین شهرها و مراکز تولید و بنادر ایجاد کنند،
- کشاورزی را توسعه داده و روشهای جدید کشت و با کشت محصولات جدید را معرفی نمایند،
- کانالهای آبیاری حفر کنند.

.....

خیلی از علمای مرکانتالیسم کتابهایی درباره اقداماتی که دولتها باید انجام دهند نوشته‌اند و تأکید کرده‌اند که دولت باید خود مستقیماً و رأساً وظایف فوق‌الذکر را به عهده گیرد.

بیش از سه قرن عقاید مرکانتالیسم در اروپا حاکمیت داشت و دولت عملاً «فعال مابشاه» بود و توانست زیربنای اقتصادی لازم را برای پیشرفتهای

## دکتر کریم خانیست

در زمان حکومت کریمخان زند، در استان یکهال، نخستین شهر ایران از لحاظ گندم با کشور مواجه شده بود. کریمخان در این خصوص سیاستی نسبت آن را افزایش داد و برای مردم گندم از چهار قران به هشت قران رسید.

این افزایش قیمت مردم شهر شیراز را سخت نگران کرد. کریمخان ابراهیمخان را مأمور به مقرون قرار داد و برای حل خواست آنان به وکیل الرعایا گفتمند که در امارتهای دولتی به فساد گندم جمع‌آوری شده و اگر «خان» اجازه دهند گندم‌های دولتی را به قیمت هر من شش قران به مردم بفروشند تا هم خزانه دولت سزوی معادل دو قران برده باشد و هم مردم گندم را در بازار آزاد بخرند و بیرون ببرند.

کریمخان زند که به صراحت آنچه معروف است، کسی فکر کرد و سپس سلطان به ابراهیمخان گفتمند «کریم خانیست که گندم را به قیمت گران از آنچه در بدوئی گرفته است به مردم بفروشد. برون و گندمها را به قیمت هر من چهار قران به مردم بدهد».

## نوشته دکتر منوچهر کیانی

استاد و رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

حکومت سازمانی است که حاکمیت دولت را اعمال می‌کند.

افلاطون اولین فیلسوفی بود که یکی از آثارش را به بیان و تشریح «دولت»، «جمهور» و «یا «جمهوریت» اختصاص داد، اما به دلیل آنکه تحلیلی تئوریک درباره دولت و عوامل تشکیل دهنده آن نکرده، نمی‌توان اثر وی را تحقیقی علمی دانست. کتاب جمهوریت با همه اهمیت خود شرح جامعه‌ای رویائی است (مدینه فاضله) که تحقق تشکیل آن حتی برای خود افلاطون نیز مسلم نیست. اگرچه ارسطو در بحثی درباره «منشاء دولت» و «مارسیگ لیو» در بحث «واگذاری اختیار قانونگذاری» اشاراتی به دولت دارند، اما اولین کسی که سه مفهوم دولت، حکومت و جامعه را از هم جدا کرد «ژان بودن» فرانسوی بود که در سال ۱۵۷۷ در کتاب خود به نام «دولت» یا «شش کتاب جمهوری» سه مفهوم فوق را به شیوه‌ای علمی مورد تحلیل قرار داد و از یکدیگر تفکیک کرد.

«ژان بودن» می‌گوید دولت اجتماعی است برخوردار از حاکمیت و دارای سازمانی سیاسی (حکومت) برای نیل به هدفهای عمومی و فراهم ساختن نیازهای عمومی.

افلاطون اگرچه تفکیک سه مفهوم فوق را نمی‌شناخت، اما در کتاب جمهوریت هنگام توصیف مدینه فاضله‌اش متذکر شد که «دولت یا جامعه برای ارضاء نیازمندیهای متفاوت انسانی... بوجود آمده است... این نیازهای اصلی عبارتند از خوراک، مسکن و پوشاک...»

آنچه وکیل الرعایا با فروش گندم به قیمت ارزان مد نظر داشت، رفاه و آسایش مردم بود که آنرا بالاترین هدف حکومت خود می‌دانست. شاید مردم کشور ما در طول تاریخ درازمدتش کمتر به اندازه دوران کریم خان زند از رفاه و آسایش نسبی برخوردار بوده باشد. فروش گندم به قیمت خرید و عدم سوء استفاده از وضعیت بازار از طرف حاکم وقت، نشان دهنده رابطه‌ایست که بین حاکم و مردم آن زمان برقرار بود. کریم خان صاحب قدرتی بود که مهم‌ترین وظیفه خویش را تأمین آسایش و رفاه مردم می‌دانست. توجه کریم خان به رفاه مردم همان موضوعی است که امروزه رفاه اجتماعی نامیده می‌شود و جزء اولین وظایف دولتها، بخصوص در کشورهای پیشرفته است.

ما امروز بین سه مفهوم دولت، حکومت و جامعه تمایز قائل می‌شویم: هر یک از این واژه‌ها مفاهیم و معانی اختصاصی خود را دارد؛ هرچند متأسفانه، در ایران واژه دولت برای حکومت و برعکس واژه حکومت برای دولت بکار برده می‌شود.

برای مثال هیأت وزیران حکومت را تشکیل می‌دهد، نه دولت را. حکومت، یعنی هیأت وزیران می‌تواند تغییر کند، نخست وزیر جدیدی منصوب شود، رئیس جمهور جدیدی انتخاب گردد، اما دولت تا قلمرونی جغرافیائی و جامعه‌ای، یا اجتماعی از مردم وابسته به هم داشته باشد، استمرار دارد.



را وارد کرد در برنامه‌های حزبی خود تغییرات اساسی دهند و دامنه وظایف دولت را گسترده سازند.

کشورهای اروپایی در حالی که مراقب عملکرد مکانیسم‌های بازار هستند و برای فراهم آوردن رقابت کامل در بازارها قوانین «ضد تراست» وضع می‌کنند، عملاً نیز با اجرای سیاستهای اقتصادی مشخص، هدفهای از قبل تعیین شده اقتصادی را (نظیر مبارزه با تورم، بیکار یا بیکاری، تعادل در تراز پرداختها و دریافتها) برای رفاه مردمانشان تعقیب می‌کنند. اینکه تا همین اواخر به دلایل غرقابیل قبول، کارگزاران بازار مشترک در بروکسل هر ساله مقادیر زیادی خیار و

گوجه‌فرنگی را از بین می‌بردند و یا «کوه کوه» از کره‌هایی که مصرف نشده بود، بوجود می‌آوردند، فقط برای جلوگیری از کاهش قیمت کالاهای کشاورزی و متضرر شدن کشاورزان بود.

توسعه و پیشرفت فراگیر بیمه‌های اجتماعی، کمک به بیکاران، پرداخت حق اولاد به خانواده‌ها، فراهم ساختن زمینه تحصیلات مجانی و حتی دادن هزینه تحصیلی به تمام دانشجویان مستحق به عنوان وام- علاوه بر جوهرسهای تحصیلی- مجانی بودن خیلی از خدمات برای افراد بازنشسته و مسن و سایر کمکهای بلاعوض موجب شده است که به دولتها لقب «پدر دولت» داده شود. دولت همچون پدری مراقب رفاه و آسایش مردم خود است. این دولت دیگر با دولت لیبرالیست قرن نوزدهم و یا اوایل قرن بیستم قابل مقایسه نیست. بخصوص این که نمایندگان مجلس و حکومت منتخب هر چند سال یکبار باید به مردم حساب پس دهند.

حال در کشور ما که باید قسط اسلامی حاکم باشد و یکی از فرمانروایانش در چند قرن پیش با فروش گندم به قیمت ارزان در زمستانی سخت به رفاه مردم اندیشیده است و نه به پر کردن خزانه حکومتی، حق نیست برخی از مسئولان دست به اقداماتی زنند و سیاستهایی را تعقیب کنند که بیشتر به اعمال و نظریات لجام گسیخته لیبرالیسم آغاز قرن نوزدهم شباهت دارد و شاید گاه تصمیمات این مسئولین در چارچوب نظریات لیبرالیستهای اولیه نیز ننگند.

اگر در زمینه‌ها و امور مختلف اجتماعی و اقتصادی اندک تأملی شود، حاکمیت روح لیبرالیسم و رها کردن امور و شعار «بگذار بگذرد»، (امور مردم به خودی خود اداره خواهند شد) کاملاً هویدا است، بعضی از این تصمیمات حتی با اصول قانون اساسی که نمایندگان و وزراء برای حفظ و صیانت آن سوگند یاد کرده‌اند مغایرت دارد. مثال بارز آن آموزش و پرورش است. تحصیلات در تمام سطوح آن، چه ابتدائی و چه متوسطه باید طبق قانون اساسی مجانی باشد، حال نه

## اقدامات برخی از مسئولین و سازمانهای اقتصادی ما بیشتر به اعمال و نظریات لجام گسیخته لیبرالیسم آغاز قرن نوزدهم شباهت دارد

تنها از اولیاء دانش‌آموزان و دانشجویان پول می‌گیرند، بلکه عملاً در جمهوری اسلامی که باید «قسط و عدل» اسلامی رعایت شود، آموزش طبقاتی بوجود آمده است. مدارس اغنیاء با آخرین تجهیزات و سرگرمیها و آموزشها نه برای فرزندان با استعداد کشور، بلکه برای فرزندان پولداران دایر شده است. قسط اول هزینه مدارس «غیرانفعا» را که در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ اولیاء دانش‌آموزان پرداختند، بالغ بر ۲۵۰ میلیارد ریال بود و شاید تا آخر سال تحصیلی دو برابر مبلغ مذکور پرداخت شود.

اینکه ما بیش از ۱۸ میلیون دانش‌آموز داریم و بودجه آموزش و پرورش جوابگوی هزینه‌های این وزارتخانه نیست، مشکلی است که اولیاء امور باید به نحوی حل کنند، نه اینکه قانون اساسی را نقض نموده و تا حد ممکن از پدر و مادر دانش‌آموزان حتی در مدارس دولتی پول بگیرند.

در کشور اسلامی ما در هیچ کجای آن به اندازه امور مسکن، یعنی ساخت و ساز آپارتمان، اجاره و رهن، تعیین زمین و آوردن آن به داخل محدوده برای ساختمانهای شهری، قیمت زمین و غیره روح لیبرالیسم و شعار «خودش به خودی خود اداره می‌شود» حکم فرما نیست. برای یک نظاره‌گر اینگونه تداعی می‌شود که در این کشور نه وزارت مسکن وجود دارد و نه سازمانهای مختلف وابسته به آن. چون مالکین آپارتمانها هر ساله هر چه خواستند، اجاره آپارتمان را افزایش می‌دهند، میزان وثیقه را تغییر می‌دهند و گویا اصلاً تابع هیچ قانون و رسم و عرفی نیستند.

البته ساختمان نیز یک کالای اقتصادی است که قیمت یا اجاره آن تابع قانون عرضه و تقاضا است، ولی این جزء اولین وظایف دولت است که در این بازار مداخله کند، بدین طریق که عرضه را با توجه به رشد جمعیت افزایش دهد و یا حداقل اگر چنین کاری را نمی‌تواند انجام دهد، افزایش اجاره بها را کنترل کند و نگذارد از یک طرف اکثر درآمد یک خانوار صرف

اجاره بها شود و از طرف دیگر افراد زیادی اجاره‌های کلان بدست آورند.

### باز هم می‌گذرد...

در امر کشاورزی که دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد مستقیم و دو وزارتخانه بازرگانی و صنایع غیرمستقیم مسئول هستند، نه سیاست کشاورزی مدون و مستمر وجود دارد، نه حمایت و پشتیبانی از کشاورزان. شعار «خودش به خودی خود اداره می‌شود»، در این زمینه نیز حکم فرماست. اینکه آیا درآمد کشاورز با هزینه‌اش همخوانی دارد، قیمت محصولات کشاورزی بطور معقول افزایش می‌یابد، تنگناهای توزیع در کجاها قرار دارند و یا اینکه دولت باید هر سال چند میلیارد دلار از درآمد (بخوان سرمایه) نفت را برای واردات محصولات کشاورزی صرف کند تا جبران کسری تولیدات کشاورزی بشود، مورد توجه جدی هیچ مقامی نیست.

مستأسفانه فقدان برنامه‌ریزی دقیق، لجام گسیختگی و عدم احساس مسئولیت در جهت رفاه مردم در سایر سازمانها و وزارتخانه‌ها نیز وجود دارد. با وجودی که شرکت مخابرات قبلاً مبالغ گزافی برای انشعاب یک خط تلفن از شهروندان می‌گیرد، قادر نیست تضمین کند و بگوید در چند سال بعد می‌تواند مثلاً در فلان منطقه، در فلان خیابان و در فلان کوچه تلفن‌ها را نصب و راه‌اندازی کند. نصب و راه‌اندازی اگر شش ماه طول کشید «بگذار می‌گذرد»، اگر سه سال طول کشید «بگذار می‌گذرد» و اگر طبق معمول چندین سال و حتی هشت تا ده سال طول کشید «باز هم می‌گذرد».

این وضعیت در شهرداریها هم مصداق دارد. شهرداریها نه به فکر رفاه مردم هستند، نه حتی در اندیشه آسایش شبانه آنان. در هیچ کجای دنیا وقتی شبانگاهان مردم می‌خواهند استراحت کنند، آهن آلات، سنگ و شن و ماسه و سایر مصالح ساختمانی را تخلیه نمی‌کنند. شهرداریها نیز همچون سایر سازمانها و نهادها در برابر هیچ ارگانی مسئول و جوابگو نیستند، بدین جهت هر کاری دلشان خواست انجام می‌دهند، حال چه این کار خوب باشد و چه باعث سلب آسایش و رفاه مردم گردد.

تعدادی از سازمانها و ارگانهای دولتی بر این باورند که مردم همچون گاو شیردهی هستند، که هر یک از آنها می‌توانند (حال بهر بهانه‌ای که باشد) افزایش هزینه‌ها، ترقی نرخ ارز و یا جمع‌آوری نقدینگی در دست مردم) هر قدر که بخواهند «زیان بسته» را بدوشند. بیش از دو قرن پیش «کلبر» وزیر دارایی معروف فرانسه گفته بود: «اگر می‌خواهید از گاوی شیر بدوشید، اول باید بقدر کافی به او خوراک بدهید.» □